

بحران در خانه دشمن
بررسی برآورده جامعه اطلاعاتی آمریکا درباره برنامه هسته‌ای ایران

نویسنده:
مرتضی قمری وفا

سخن نخست

نهضت ملی هسته‌ای در ایران با مؤلفه‌های گوناگونی از جمله اقتدار علمی، پایداری ملی و عقلانیت روشی در سطوح جهانی شناسایی شده است. اکنون سپهر هویت ملی ایرانیان شاهد تجلی نهضتی است که انسجام و شیوه‌های رهبری و مدیریت آن جزو تحولات ممتاز در تاریخ معاصر ایران است. این نهضت علاوه بر دستاوردهای ملی، موجبات تزلزل در انسجام دشمنان ایران اسلامی نیز شده است. بحران در خانه‌ی دشمن، عنوان بررسی اجمالی جامعه‌ی اطلاعاتی آمریکا درباره‌ی برنامه‌ی هسته‌ای ایران است که از سوی جناب آقای مرتضی قمری وفا مدیر کل محترم دفتر امور رسانه‌های ریاست جمهوری به رشته تحریر در آمده و به عنوان دوازدهمین گزارش جمهور تقدیم مخاطبان ارجمند می‌شود.

معاونت ارتباطات و اطلاع‌رسانی

مرکز پژوهش و اسناد

بحران در خانه دشمن

مرتضی قمری وفا

بیش از یک ماه از افشای بخشی از گزارش ۱۵۰ صفحه‌ای برآورد جامعه اطلاعاتی آمریکا درباره برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد و واشنگتن برخلاف مواضع متناقض روزهای پس از انتشار این گزارش، اکنون در مرحله‌ای قرار گرفته که زمینه برای اعمال برخی تغییرات در سیاست‌هایش در قبال تهران آماده شده است؛ هر چند گذر موفق از این مرحله با سختی‌ها و احیاناً هزینه‌هایی برای کاخ سفید همراه باشد، اما می‌تواند از بروز اشتباهات استراتژیک در آینده جلوگیری کند. ۱۶ نهاد اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا در گزارش دسامبر ۲۰۰۷ خود برخلاف گزارش پیشین (مه ۲۰۰۵) با حداکثر قطعیت تاکید کردند جمهوری اسلامی ایران در چند سال اخیر هیچگونه برنامه تسلیحاتی در فعالیتهای هسته‌ای خود نداشته است و تا دهه آینده هم چنین روندی ادامه خواهد داشت.

* جایگاه و اعتبار جامعه اطلاعاتی آمریکا^(۱)

جامعه اطلاعاتی آمریکا متشکل از همه سازمان‌ها و آژانس‌های جاسوسی ایالات متحده است که عضو «شورای اطلاعات ملی» «National intelligence council» هستند. مدیر اطلاعات ملی به عنوان رییس جامعه اطلاعاتی عمل و اجرای برنامه اطلاعات ملی را مدیریت و نظارت میکند و به عنوان مشاور اصلی رییس جمهور، شورای امنیت ملی و شورای امنیت داخلی در امور اطلاعاتی محسوب می‌شود. یکپارچه کردن ابعاد خارجی و داخلی اطلاعات (جاسوسی) آمریکا به منظور آنکه هیچ اختلافی در درک از تهدیدها علیه امنیت ملی نباشد، ایجاد عمق و صحت بیشتر در تحلیل‌های اطلاعاتی و اطمینان از اینکه منابع اطلاعاتی آمریکا نشان دهنده توان آینده و نتایج کنونی باشد، از جمله مهمترین وظایف و مسوولیت‌های دفتر مدیر اطلاعات ملی آمریکا می‌باشد. از سوی دیگر هدف اصلی شورای اطلاعات ملی، فراهم کردن بهترین، غیرمتعصبانه ترین و صریح ترین

اطلاعات برای سیاستگذاران، بدون توجه به اینکه آیا قضاوت‌های تحلیلی با سیاست آمریکا همخوانی دارد یا خیر؟، است. همچنین شورای اطلاعات ملی با حمایت از فعالیت دفتر مدیریت اطلاعات ملی، رهبری تلاش‌های جامعه اطلاعاتی برای تولید ارزیابی‌های (برآوردهای) اطلاعاتی - که شامل نگرانی‌های امنیت ملی است - را بر عهده دارد. بر این اساس، «برآوردهای اطلاعات ملی» (National intelligence Estimates "NIE" معتبرترین قضاوت‌های مکتوب جامعه اطلاعاتی درباره مسائل امنیت ملی آمریکاست و برای کمک به رهبران غیرنظامی و نظامی آمریکا برای تدوین سیاست‌هایی به منظور حفاظت از منافع و امنیت ملی این کشور طراحی می‌شود. همه ارزیابی‌های اطلاعات ملی از سوی هیات اطلاعات ملی که ریاست آن را مدیریت اطلاعات ملی به عهده دارد و شامل روسای آژانس‌های عضو شورای اطلاعات ملی می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد. هنگامی که این اطلاعات از سوی هیات اطلاعات ملی تایید شد، برآوردهای اطلاعات ملی به اطلاع رییس جمهور و سیاستگذاران ارشد می‌رسد. کل روند تولید ارزیابی‌های اطلاعات ملی که عمدتاً سندی محرمانه است، چند ماه طول می‌کشد. این در حالی است که برآوردهای اطلاعات ملی آمریکا که از سال ۱۹۵۰ به بعد تهیه و تدوین شده است، در پی حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بیشتر مورد توجه قرار گرفت؛ به طوری که یکسال بعد از انتشار برآورد جامعه اطلاعاتی (۲۰۰۲) که وجود سلاح‌های کشتار جمعی در عراق را تایید می‌کرد، مبنای حمله به این کشور قرار گرفت. هر چند، چندین سال بعد اثبات شد که برآورد جامعه اطلاعاتی آمریکا با اعمال نفوذ برخی سازمان‌های جاسوسی مورد وثوق جرج بوش به انحراف رفته و در بسیاری از موارد صحت نداشته است. البته این روند انحرافی در ماه مه ۲۰۰۵ هم تکرار شد و در برآورد جامعه اطلاعاتی آمریکا ادعا شد جمهوری اسلامی ایران به دنبال ساخت بمب اتمی است و همین برآورد، مبنایی گردید که واشنگتن با همکاری شرکای غربی‌اش، موضوع بررسی فعالیت‌های هسته‌ای ایران را از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دهد و با هدف تشدید فشارها و تحریم‌ها دو قطعنامه علیه ایران صادر کند. بنابراین حال که شورای اطلاعات ملی آمریکا با هدف شناسایی «مقاصد و توانایی‌های هسته‌ای ایران» برآورد خود را در گزارشی محرمانه، ۱۵۰ صفحه‌ای و با بیش از ۱۰۰۰ مرجع تقدیم کاخ سفید و کنگره کرده است، انتظار می‌رود تا حد زیادی مبنای تغییر و یا اصلاح سیاست‌های واشنگتن در قبال تهران شود؛ بخصوص آنکه باید به این نکته توجه شود برآورد دسامبر ۲۰۰۷ بسیاری از قضاوت‌های گزارش مه ۲۰۰۳ جامعه اطلاعاتی آمریکا را نقض و باطل کرده است.

● برآورد جامعه اطلاعاتی آمریکا؛ یک نگاه از دورن

جامعه اطلاعاتی آمریکا تا کید می‌کند که در برآورد منتشره به بررسی وضعیت برنامه هسته‌ای ایران و چشم‌انداز آن در ۱۰ سال آینده پرداخته و بخصوص یادآور شده این اطلاعات را برای تخمین توان ایران و تمایل آن برای دستیابی

به تسلیحات اتمی - با در نظر گرفتن چرخه سوخت اورانیومی و امکان استفاده دوگانه از آن - ارزیابی کرده است. همچنین در برآورد دسامبر ۲۰۰۷ به صراحت تاکید شده که در ارزیابی جامعه اطلاعاتی آمریکا در ماه مه ۲۰۰۵ درباره برنامه هسته ای ایران «بازنگری گسترده» شده است.

محورهای افشا شده برآورد جامعه اطلاعاتی آمریکا به این شرح است:

۱- ما با اطمینان زیاد قضاوت می‌کنیم که تهران در پائیز سال ۲۰۰۳ برنامه تسلیحات هسته‌ای خود را متوقف کرد. ما همچنین با اطمینان متوسط و زیاد ارزیابی می‌کنیم که تهران همچنان گزینه توسعه تسلیحات هسته‌ای را در سطح حداقل دنبال می‌کند. برداشت ما با اطمینان زیاد این است که این توقف در پی اعلامیه تهران مبنی بر تصمیم ایران برای تعلیق برنامه غنی‌سازی اورانیوم و امضای پروتکل الحاقی به توافقات پادمان معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، در درجه اول در واکنش به بازرسی‌های بین‌المللی و فشارهایی بوده است که به خاطر افشای فعالیت‌های هسته‌ای اعلام نشده پیشین ایران بر این کشور وارد شده بود.

۲- ما با اطمینان زیاد ارزیابی می‌کنیم که تا پائیز سال ۲۰۰۳ نهادهای نظامی ایران مشغول توسعه تسلیحات هسته‌ای بوده‌اند.

۳- ما با اطمینان زیاد قضاوت می‌کنیم که توقف این برنامه برای چندین سال دوام یافته است. به هر حال، به خاطر کاستی‌های اطلاعاتی که در دیگر بخش‌های این برآورد به آن اشاره شده، وزارت انرژی و شورای اطلاعات ملی تنها با اطمینان متوسط ارزیابی می‌کنند که توقف این فعالیت‌ها بیانگر توقف در کل برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران است.

۴- ما با اطمینان متوسط ارزیابی می‌کنیم که تهران برنامه تسلیحات هسته‌ای خود را تا اواسط سال ۲۰۰۷ از سر نگرفته اما نمی‌دانیم که مقاصد کنونی آن توسعه تسلیحات هسته‌ای است یا خیر؟

۵- ما همچنان با اطمینان متوسط و زیاد ارزیابی می‌کنیم که ایران در حال حاضر دارای سلاح هسته‌ای نیست.

۶- تصمیم تهران برای توقف برنامه تسلیحات هسته‌ای نشان دهنده این امر است که این کشور اراده کمتری برای توسعه تسلیحات هسته‌ای نسبت به آنچه که از سال ۲۰۰۵ پیش‌بینی می‌کردیم، دارد. ارزیابی ما این است که این برنامه در درجه اول به خاطر فشارهای بین‌المللی متوقف شده است و این امر نشانه آن است که تهران بیش از آنچه که ما پیشتر تصور کرده‌ایم، تحت تاثیر این فشارها است.

۷- ما با اطمینان اندک ارزیابی می‌کنیم که ایران ممکن است برخی از مواد شکافت‌پذیری را وارد کرده باشد که می‌توان آنها را در تسلیحات هسته‌ای به کار برد. ما نمی‌توانیم این امر را منتفی بدانیم که ایران بتواند در آینده یک سلاح هسته‌ای و یا مواد شکافت‌پذیر کافی برای تولید آن را از خارج از کشور به دست نیاورد. به جز دستیابی از این طریق، اگر ایران بخواهد سلاح هسته‌ای داشته باشد، نیاز است میزان کافی از مواد شکافت‌پذیر را به صورت بومی تولید کرده و برداشت ما با اطمینان زیاد این است که این کشور تاکنون این کار را نکرده است.

۸- ما ارزیابی کرده‌ایم که غنی‌سازی با استفاده از سانتریفوژ روشی است که ایران احتمالاً می‌تواند مواد

شکافت‌پذیر اولیه را برای تسلیحات خود تولید کند؛ البته در صورتی که تصمیم به این کار گرفته باشد. ایران با وجود ادامه توقف برنامه تسلیحات هسته‌ای، در ژانویه ۲۰۰۶ فعالیت‌های سانتریفوژی اعلام شده خود را از سرگرفت. ایران در سال ۲۰۰۷ پیشرفت مهمی در نصب سانتریفوژها در نطنز به دست آورد اما برداشت ما با اطمینان متوسط این است که این کشور هنوز با مشکلات فنی در عملکرد آنها مواجه است.

۹- ما با اطمینان متوسط نتیجه می‌گیریم زودترین زمان ممکن برای ایران که بتواند از نظر فنی توانایی تولید اورانیوم با غنای بالا برای یک سلاح هسته‌ای را داشته باشد، اواخر سال ۲۰۰۹ است اما این امر بسیار بعید به نظر می‌رسد.

۱۰- برداشت ما با اطمینان متوسط این است که ایران ممکن است از نظر فنی قادر به تولید اورانیوم با غنای بالای کافی برای تولید سلاح طی سال‌های ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۵ باشد. (برداشت سازمان INR [وابسته به وزارت خارجه آمریکا] این است که بعید است ایران بتواند تا قبل از سال ۲۰۱۳ به این توانایی دست پیدا کند زیرا همانگونه که پیش‌بینی می‌شد مشکلات فنی و برنامه‌ای پیش آمده است) همه نهادها به این تشخیص رسیده‌اند امکان این امر وجود دارد که این توانایی حتی پس از سال ۲۰۱۵ به دست آید.

۱۱- نهادهای ایرانی به توسعه توانایی‌هایی ادامه می‌دهند که می‌تواند در صورت تصمیم‌گیری لازم، برای تولید تسلیحات هسته‌ای به کار روند. به عنوان مثال، برنامه غنی‌سازی اورانیوم غیرنظامی ادامه دارد. ما همچنین با اطمینان زیاد ارزیابی کرده‌ایم که از پائیز ۲۰۰۳ ایران تحقیقاتی را برای توسعه پروژه‌هایی که کاربرد تجاری و متعارف دارند، انجام داده است که برخی از آنها می‌توانند همچنین کاربرد محدود در زمینه تسلیحات هسته‌ای داشته باشند. ۱۲- ما اطلاعات کافی برای قضاوت در این باره در اختیار نداریم که آیا تهران تمایل به ادامه توقف برنامه تسلیحات هسته‌ای خود برای مدت نامعلوم دارد یا خیر؟ با این حال این کشور مشغول اندیشه درباره راهکارهاست و یا (اطلاعات کافی درباره این امر در اختیار نداریم) اینکه این کشور مهلت زمانی مشخصی و معیارهایی برای آغاز مجدد این برنامه تدوین کرده یا خیر؟

۱۳- ارزیابی ما این است که ایران در واکنش به فشارهای بین‌المللی برنامه خود را در سال ۲۰۰۳ متوقف کرده است و این امر نشان می‌دهد که تصمیمات تهران بر اساس حساب و کتاب و سود و زیان است تا اینکه دستیابی به سلاح را به هر قیمت سیاسی و یا سیاسی - نظامی بخواهد. در عوض، این امر نشان می‌دهد برخی از تهدیدهای متعدد و تشدید بازرسی‌های بین‌المللی و فشارها در کنار فرصت‌هایی که پیش روی ایران برای رسیدن به اهداف امنیتی، حیثیتی و توسعه نفوذ منطقه‌ای وجود دارد، در صورتی که از نظر سران ایران مفید باشد، آنگاه ممکن است تهران را به ادامه توقف برنامه هسته‌ای وادارد.

۱۴- ما با اطمینان متوسط ارزیابی می‌کنیم که ترغیب سران ایران برای صرف‌نظر کردن از توسعه نهایی تسلیحات هسته‌ای با توجه به ارتباطی که سران ایران میان توسعه تسلیحات هسته‌ای و اهداف مهم امنیت ملی و سیاست خارجی قائل هستند، دشوار است. با توجه به این که ایران از اواخر دهه ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۳ برای

توسعه چنین تسلیحاتی تلاش‌های قابل توجهی انجام داد، از نظر ما تنها تصمیمات سیاسی ایرانی‌ها برای دست برداشتن از اهداف توسعه چنین تسلیحاتی نمی‌تواند مانع تهران از دستیابی نهایی به تسلیحات هسته‌ای شود و چنین تصمیمی ذاتاً برگشت‌پذیر است.

۱۵- ما با اطمینان متوسط ارزیابی کرده‌ایم ایران ممکن است از تاسیسات سری ۹ مرکز هسته‌ای اعلام شده خود برای تولید اورانیوم با غنای بالا استفاده کند. نشانه‌های فزاینده اطلاعاتی نشان می‌دهد که ایران در فعالیت‌های سری تبدیل اورانیوم و غنی‌سازی آن وارد شده است اما برداشت ما این است که این تلاش‌ها شاید در سال ۲۰۰۳ متوقف شده باشد و این تلاش‌ها احتمالاً تا اواسط ۲۰۰۷ از سرگرفته نشده است.

۱۶- برداشت ما با اطمینان زیاد این است که ایران از نظر فنی قادر نیست پلوتونیوم کافی را برای تولید سلاح تا سال ۲۰۱۵ بازفرآوری کند.

۱۷- ما با اطمینان بالا ارزیابی می‌کنیم که ایران توانایی فنی، علمی و صنعتی لازم را در صورتی که تصمیمی در این رابطه اتخاذ کند، در اختیار دارد.

همچنین تفاوت‌های بسیاری میان برداشت‌های مهم مندرج در برآورد کنونی از برنامه هسته‌ای ایران و ارزیابی پیشین در ماه می ۲۰۰۵ وجود دارد که عبارتند از:

● برآورد جامعه اطلاعاتی در سال ۲۰۰۵:

با اطمینان زیاد ارزیابی می‌شود که ایران در حال حاضر با وجود تعهدات بین‌المللی و فشارهای بین‌المللی مصمم به توسعه تسلیحات هسته‌ای است اما ارزیابی نکرده‌ایم تصمیم ایران برگشت‌ناپذیر باشد.

● برآورد اطلاعات ملی در سال ۲۰۰۷:

با اطمینان زیاد اعلام می‌شود که تهران در پائیز ۲۰۰۳ برنامه تسلیحات هسته‌ای خود را متوقف کرده و با اطمینان زیاد قضاوت می‌شود که این توقف به مدت چندین سال ادامه داشته است. وزارت انرژی و شورای اطلاعات ملی اطمینان متوسطی به این دارند که توقف این فعالیت‌ها نشان دهنده توقف کل برنامه هسته‌ای ایران باشد. با اطمینان متوسط ارزیابی می‌شود که تهران برنامه هسته‌ای خود را تا اواسط سال ۲۰۰۷ از سرنگرفته است. ما از مقاصد کنونی هسته‌ای ایران برای توسعه تسلیحاتی خبر نداریم. با اطمینان زیاد برداشت می‌کنیم که توقف این برنامه در درجه اول به خاطر تشدید بازرسی‌های بین‌المللی و فشاری بوده که پس از افشای فعالیت‌های اعلام نشده هسته‌ای ایران اعمال شد. با اطمینان زیاد و متوسط ارزیابی می‌شود که تهران گزینه توسعه تسلیحات هسته‌ای را در میزان اندک مدنظر دارد. ما اطمینان متوسطی در پیش‌بینی زمان ساخت احتمالی بمب از سوی ایران داریم. ما آن را تا اوایل و یا اواسط دهه بعد بعید می‌دانیم.

● برآورد جامعه اطلاعاتی در سال ۲۰۰۵:

ما اطمینان متوسطی در پیش‌بینی این امر داریم که ایران احتمالاً خواهان ساخت بمب اتمی است. ما ارزیابی می‌کنیم بعید است تا اوایل یا اواسط دهه آینده به این امر دست پیدا کند.

● برآورد اطلاعات ملی در سال ۲۰۰۷:

برداشت ما با اطمینان متوسط آن است که زودترین زمان ممکن که ایران از توانایی فنی تولید اورانیوم با غنای بالای کافی برای تولید بمب دست پیدا کند در اواخر ۲۰۰۹ است اما این امر بعید است. برداشت ما با اطمینان متوسط آن است که شاید ایران بین ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۵ از توانایی فنی برای تولید اورانیوم با غنای بالا برای تولید سلاح برخوردار خواهد بود. (برداشت سازمان INR [وابسته به وزارت خارجه آمریکا] این است که بعید است ایران بتواند تا قبل از سال ۲۰۱۳ به این توانایی دست پیدا کند زیرا همانگونه که پیش‌بینی می‌شد مشکلات فنی و برنامه‌ای وجود دارد)

● برآورد جامعه اطلاعاتی در سال ۲۰۰۵:

ایران تا پایان این دهه قادر خواهد بود مقدار کافی از مواد شکافت‌پذیر برای سلاح تولید کند، در صورتی که بتواند پیشرفت سریع و موفقی به نسبت آنچه که تاکنون شاهد بوده‌ایم، داشته باشد.

● برآورد اطلاعات ملی در سال ۲۰۰۷:

برداشت ما با اطمینان متوسط آن است که زودترین زمان ممکن که ایران بتواند از نظر فنی اورانیوم با غنای بالای کافی برای تولید بمب داشته باشد در اواخر ۲۰۰۹ است، اما این امر بسیار بعید است.

● جمع بندی محتوای برآورد جامعه اطلاعاتی آمریکا

- به نظر می‌رسد در پس زمینه تدوین و انتشار گزارش برآورد جامعه اطلاعاتی آمریکا دو راهبرد از سوی واشنگتن اتخاذ شده است: اول اینکه به دلایل مختلف - که احتمالاً جزئیات آن در گزارش ۱۵۰ صفحه‌ای آمده است - ثابت کند فعالیت‌های هسته‌ای ایران از چند سال گذشته و حداقل تا دهه آینده به سوی اهداف تسلیحاتی (دستیابی به بمب اتمی) نرفته و نخواهد رفت. براین اساس، از برآورد بدون اینکه مستقیماً به آن اشاره گردد - دریافت می‌شود که انتخاب گزینه «حمله نظامی» علیه ایران - از آنجا که فعالیت‌های هسته‌ای تهران، غیرنظامی است - اشتباه بوده و کارآمدی نخواهد داشت. دوم

اینکه، ارزیابی مذکور و حواشی سیاسی آن به طور غیرمستقیم با ستایش راهبرد فشارهای بین المللی و تحریم‌ها علیه ایران، آن را بهترین روش برای مقابله با برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان می‌داند. - این در حالی است همانجا هم که برآورد جامعه اطلاعاتی آمریکا مدعی می‌شود ایران پیش از پاییز ۲۰۰۳ دارای برنامه تسلیحات اتمی بوده است، هیچ سندی ارائه نمی‌دهد، همچنانکه پیش از این هم «محمد البرادعی» مدیر کل آژانس بین المللی انرژی هسته‌ای به همین دلیل دولت آمریکا را به خاطر این ادعای تکراری و بدون پشتوانه مورد سرزنش قرار داده بود.

- از سوی دیگر مطابق مفاد برآورد ۱۶ نهاد و سازمان جاسوسی آمریکا، جمهوری اسلامی ایران حداقل از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۵ (بیش از یک دهه) برنامه تسلیحات اتمی نخواهد داشت؛ براین اساس تمام اقدامات و اشننگتن برای نظامی نشان دادن فعالیت هسته‌ای تهران از جمله ارجاع پرونده به شورای امنیت سازمان ملل و تصویب دو قطعنامه تحریمی و تدارک شانتاژ سیاسی و تبلیغاتی علیه کشورمان، فاقد وجهت حقوقی و قانونی بوده و حتی به نظر می‌رسد اقدامی علیه صلح و ثبات جهانی باشد و از این منظر جمهوری اسلامی ایران می‌تواند برای اعاده حیثیت مطابق حقوق بین‌المللی از آمریکا و چند کشور غربی در نزد دادگاه لاهه شکایت کند و برای جبران خسارات پدید آمده غرامت طلب نماید. همچنانکه در شرایط کنونی بررسی پرونده فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران باید در شورای امنیت سازمان ملل مختومه و به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بازگردانده شود. - همچنین پس از گزارش برآورد جامعه اطلاعاتی آمریکا به دلایل مختلف، تنها آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌تواند طرف رسمی مذاکره با ایران باشد و نقش گروه ۵+۱ نیز عملاً تقلیل می‌یابد؛ هر چند مذاکرات غیررسمی می‌تواند با تعریف جدیدی از نقش‌ها ادامه یابد.

- پیروی تهران از الگوی هزینه - فایده در مسائل مترتب بر فعالیت هسته‌ای خود از دیگر نکات مورد اشاره در برآورد جامعه اطلاعاتی آمریکاست؛ بر اساس این اعتراف، تضمین عملی و سیاسی ایران مبنی بر عدم انحراف فعالیت‌های هسته‌ای به سوی اهداف نظامی و تعهد و اجرای بی‌کم و کاست معاهده NPT و مقررات عدم اشاعه، همگی می‌تواند به اطمینان جامعه جهانی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از صحت و عدم انحراف این فعالیت‌ها منجر شود؛ بنابراین همه موانع ایجاد شده علیه فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان در این باره برخلاف مقررات و قراردادهای بین‌المللی بخصوص معاهده عدم اشاعه بوده و می‌تواند - می‌بایست - رفع گردد. همچنانکه در گزارش جامعه اطلاعاتی آمریکا مشاهده می‌شود، از عملیات غنی سازی اورانیوم در ایران در سال ۲۰۰۷ به عنوان یک «پیشرفت هسته‌ای» یاد شده که ارتباطی با تولید سلاح ندارد. بنابراین تمام تدابیر نرم مثل ارجاع پرونده هسته‌ای به شورای امنیت سازمان ملل، تقاضای توقف غنی سازی و همچنین تدارک فشارهای بین‌المللی و یا تحریم‌های اقتصادی علیه ایران که به ادعای تسلیحاتی بودن برنامه هسته‌ای کشورمان از جمله خطرناک بودن فرآیند غنی سازی اورانیوم در ایران نسبت داده شده

است، براساس نتایج برآورد فوق و معاهده NPT بی اعتبار گشته و دارای مشروعیت قانونی نخواهد بود. - در این میان، تاکید برآورد جامعه اطلاعاتی آمریکا مبنی بر اینکه ایران در سال ۲۰۰۷ پیشرفت مهمی در غنی سازی اورانیوم داشته و فعالیت‌های هسته‌ای اش هم حداقل به مدت یک دهه نمی‌تواند تسلیحاتی شود، گویای یک واقعیت بسیار مهم دیگر است و آن اینکه جمهوری اسلامی ایران با پیشرفت‌های فوق العاده در پروژه فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای خود از جمله راه اندازی موفق بیش از سه هزار سانتریفوژ و در سایه تدبیر همه جانبه و ایستادگی ملی، توانسته است واشنگتن را هم به طور غیرمستقیم به اعتراف و دارد که کشورمان از نقطه غیرقابل بازگشت هسته‌ای عبور کرده و همین نشانه‌ای باشد از اینکه ایالات متحده اجباراً واقعیت «قدرت هسته‌ای ایران» را پذیرفته است. - در این میان باید توجه داشت که در کنار اعترافات موجود در برآورد جامعه اطلاعاتی آمریکا، جرج بوش و دستیارانش و همچنین انگلیس و فرانسه بر مبنای همین گزارش، خواستار تشدید فشارها و تحریم‌های بین المللی برای دست برداشتن جمهوری اسلامی ایران از فعالیت صلح آمیز هسته‌ای شده‌اند. به ویژه آنکه واشنگتن و همپیمانان غربی اش به دنبال انتشار گزارش اخیر مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی - که بار دیگر عدم انحراف فعالیت هسته‌ای صلح آمیز ایران را مورد تاکید قرار و از حل مسائل مهم مورد نظر آژانس خبر داد - برای صدور قطعنامه سوم در تنگنای دشواری قرار گرفته و برای دستیابی به اهداف خود از هیچ اقدامی فروگذار نخواهند کرد. - براساس برخی تحلیل‌ها نیز می‌توان این گونه جمع بندی کرد که گزارش سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا به گونه‌ای تنظیم شده که تمامی طرف‌ها بتوانند به سود خود از آن استفاده کنند؛ چین و روسیه با اتکا بر آن لزوم تداوم دیپلماسی در موضوع هسته‌ای ایران را مورد تاکید قرار دهند، آلمان و فرانسه با اشاره به آن تداوم رفتار گذشته ۱+۵ را بررسی کنند و آمریکا و انگلیس نیز با پذیرش آن، تشدید تحریم‌ها علیه ایران را خواستار شوند.

● بازتاب‌ها و پیامدها

در پی انتشار گزارش برآورد جامعه اطلاعاتی آمریکا از سوی سیاستمداران و رسانه‌های جهانی از یک سو و رژیم صهیونیستی و طیف نومحافظه کار تندرو در دولت بوش و نهادهای وابسته به آنها از سوی دیگر، دو جبهه شکل گرفت:

۱- شکست و ضربه جدی به سیاست‌های آمریکا

اغلب رسانه‌های جهانی و همچنین سیاستمداران، کارشناسان معتبر و تا حدودی مستقل و موسسات مطالعاتی، این گزارش را به منزله شکست جرج بوش در تشدید سیاست‌های میلیتاریستی ضدایرانی اش خواندند که با انتشار برآورد جامعه اطلاعاتی به این تحرکات ضربه جدی وارد شد و عقبه کارشناسی آن فرو ریخت. این دسته از تحلیلگران و حتی مقام‌های سیاسی بین المللی بر این اعتقادند که انتشار گزارش شورای اطلاعات ملی آمریکا در این مقطع زمانی ضربه‌ای محکم بر دولتمردان آمریکایی بوده و ادامه سیاست‌های این کشور

برای ترغیب کشورها برای اعمال تحریم‌های بیشتر علیه تهران را با چالش‌های جدی مواجه خواهد ساخت. براین اساس واشنگتن دعوت به تعدیل سیاست‌هایش در قبال ایران می‌شود تا بار دیگر تجربه عراق تکرار نشود. در این باره «هری رید» رهبر اکثریت دموکرات مجلس سنای آمریکا ابراز امیدواری کرد دولت بوش گزارش جدید اطلاعاتی درباره ایران را به دقت مطالعه کند و سیاست‌هایش را در قبال ایران تعدیل نماید. «مایکل روپین» محقق مرکز اطلاعات ملی آمریکا نیز نوشت: این گزارش کار دولت آمریکا را با مشکل مواجه کرد و این اجازه را به برلین، پکن و مسکو می‌دهد تا با دور سوم تحریم‌ها علیه ایران مخالفت کنند. روزنامه آمریکایی «واشنگتن پست» نیز تصریح کرد: گزارش شورای اطلاعات ملی آمریکا درباره پرونده هسته‌ای ایران ضربه محکمی به دولت «جورج بوش» رییس جمهور آمریکا بود. همچنین خبرگزاری «رویترز» تأکید کرد: این گزارش، تمام تلاش‌های آمریکا برای قانع ساختن کشورهای دیگر با هدف اعمال دور سوم تحریم‌ها از طریق سازمان ملل متحد علیه ایران را به شکست می‌کشاند. در این میان «وانگ گویانگا» سفیر چین در سازمان ملل متحد نیز به خبرنگاران گفت: انتشار «ارزیابی اطلاعات ملی» آمریکا درباره برنامه اتمی ایران، توافق پیشین گروه ۱+۵ درباره بررسی گسترش تحریم‌های بین‌المللی علیه تهران را زیر سوال برده است. این در حالی است که «محمد البرادعی»، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم ابراز امیدواری کرد با انتشار گزارش اطلاعاتی آمریکا، دستیابی به راه حلی برای پایان دادن به مناقشه هسته‌ای ایران هموار شود. از سوی دیگر بنگاه سخن پراکنی انگلیس «بی بی سی» هم تصریح کرد: آنچه مسلم است اینکه براساس این گزارش، فضا برای آنهایی که در واشنگتن خواهان حمله نظامی پیشگیرانه هستند و از حمله نظامی سخن می‌گویند، سخت‌تر خواهد شد. همچنانکه شبکه «فرانس ۲۴» هم با عنوان اینکه «گزارش جامعه اطلاعاتی آمریکا نشان می‌دهد که ایران در رقابت تسلیحاتی نیست» ابراز امیدواری کرد کاخ سفید در تبعیت از این گزارش، برخی فشارها علیه ایران را کاهش دهد. در همین ارتباط «رابرت کیگان» از اعضای موسسه صلح کارنگی در آمریکا با درج مقاله‌ای در روزنامه واشنگتن پست نوشت: با انتشار گزارش ۱۶ آژانس امنیتی آمریکا، زمان گفت و گوی واشنگتن با تهران فرا رسیده است. وی افزود: صرف نظر از این که درباره نتیجه تخمین اطلاعات ملی چه فکر می‌کنید که می‌گوید ایران برنامه تسلیحات هسته‌ای خود را در سال ۲۰۰۳ متوقف کرد، اثرات عملی این گزارش را نمی‌توان زیر سوال برد. همچنین جمع کردن اروپایی‌ها برای حمایت از تحریم‌های جدی علیه تهران، قبل از انتشار گزارش تخمین اطلاعات ملی مشکل بود، و حال دیگر غیرممکن است. تاکنون نیز تنها وحشت از حمله نظامی آمریکا به ایران دلیل اصلی حمایت اروپایی‌ها برای ایجاد فشار به تهران بوده و به عبارتی ترس از بمب ایران در مرحله دوم قرار داشته است. روزنامه آلمانی «دی‌سایت» هم تصریح کرد: گزارش اخیر نهادهای اطلاعاتی آمریکا احتمالاً بخشی از

طرح مذاکره بزرگ با ایران است. این گزارش درباره توان هسته‌ای ایران، سندی سیاسی است که در مقر دولت این کشور در واشنگتن تهیه شده است و به همین دلیل باید با دقت و وسواس جزئیات آن را مطالعه کرد. همچنین مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز یادآور شد: برآورد اطلاعاتی آمریکا بی‌گناهی ایران درباره مساله هسته‌ای را ثابت کرد. «محمد البرادعی» گفت: این گزارش با اعلام اینکه ایران دست کم در مدت چند سال گذشته برنامه تسلیحاتی هسته‌ای را دنبال نکرده است، به نوعی بی‌گناهی ایران را ثابت کرده است. و اما مجله آمریکایی «تایم» در این باره نوشت: برآورد آژانس‌های امنیتی آمریکا درباره برنامه هسته‌ای ایران باعث سردرگمی اسرائیل شده و مقام‌های اسرائیل این گزارش را تکان دهنده و ناامید کننده می‌دانند. یکی از اعضای کابینه اسرائیل گفت: به نظر می‌رسد برآورد جدید آمریکا فعلاً گزینه حمله نظامی به ایران را منتفی کرده است. اسرائیل نیز به تنهایی حمله نخواهد کرد زیرا تعداد تاسیسات اتمی ایران بسیار زیاد و پراکنده است. جالب اینکه مجله تایم در تحلیلی متفاوت تصریح کرد: طرح آمریکا برای استقرار سیستم دفاع موشکی در جمهوری چک و لهستان، دومین قربانی انتشار برآورد اطلاعاتی سازمان‌های جاسوسی آمریکا است. نخستین قربانی این گزارش، تلاش‌های تندروها در کاخ سفید برای واکنش نظامی علیه ایران بود. همچنین آسوشیتدپرس نیز به نقل از سناتور «جی راکفلر»، رییس کمیته اطلاعاتی سنا نوشت: گزارش جامعه اطلاعاتی درخواست‌ها برای مذاکره با ایران را ترغیب کرد. وی افزود: دیپلماسی می‌تواند کار کند. سناتور «جان مک کین»، از ایالات آریزونا هم که در مبارزات انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شرکت می‌کند، گفت: آمریکا باید به جای مذاکرات رو در رو با ایران از کانال‌های موازی استفاده کند. سناتور «چاک هاگل» عضو کمیته اطلاعاتی سنا در مصاحبه‌ای مشترک به همراه «راکفلر» اظهار کرد: تغییر در نتایج گزارش جامعه اطلاعاتی در طول دو سال گذشته نسبتاً چشمگیر بوده است؛ پس لازم است گفت‌وگو با آنها را آغاز کنیم. در این میان روزنامه انگلیسی «ایندپندنت» پا را فراتر نهاد و نوشت: گزارش جامعه اطلاعاتی آمریکا طوفانی بر پیکر دولت بوش است. یافته جدید مرکز برآوردهای اطلاعات ملی آمریکا کاملاً با گزارش دو سال گذشته همین مرکز اطلاعاتی که بر عزم ایران برای تولید سلاح هسته‌ای تاکید داشت، مغایرت دارد. گفته می‌شود این گزارش بهار گذشته منتشر شده اما آمریکا برای پرهیز از تکرار اشتباه پنج سال پیش خود در مورد عراق، انتشار آن را به تعویق انداخت. این روزنامه سپس به اظهارات «هری رید» رهبر دمکرات‌های سنا اشاره می‌کند که به دولت بوش هشدار داده است که لحن و سیاست‌های خود را در مورد ایران تغییر دهد. در این ارتباط «نانسی پلوسی» رییس دمکرات مجلس نمایندگان آمریکا گفت: هرچند نباید هیچ توهمی درباره مقاصد برخی رهبران ایرانی به خود راه دهیم، اما گزارش جدید به ما نشان می‌دهد زمان اتخاذ یک سیاست جدید در قبال ایران فرا رسیده است؛ سیاستی که مانع از سرگیری برنامه هسته‌ای این کشور شود و در عین حال به طور فراگیر به بهبود روابط کمک کند.

روزنامه «فایننشال تایمز» هم در گزارشی یادآور شد: مجموعه تشکیلات اطلاعاتی آمریکا در گزارشی «غیرمترقبه» ارزیابی خود را از خطراتی که از جانب طرح‌های هسته‌ای ایران وجود دارد، تنزل دادند و اعلام کردند تهران، برنامه تسلیحات هسته‌ای اش را در سال ۲۰۰۳ متوقف کرده و ممکن نیست مجدداً از سر گیرد. این نتیجه گیری استدلال‌هایی را که به نفع اقدام نظامی آمریکا بر ضد ایران برای توقف برنامه هسته‌ای آن به عمل می‌آید، تضعیف و از تشدید فشارهای بین‌المللی دیپلماتیک و اقتصادی بر ایران حمایت می‌کند.

بر این اساس از مجموع موضع‌گیری‌های بین‌المللی نتایج ذیل استخراج می‌شود:

- دولت بوش نمی‌تواند در مدت زمان باقی مانده از دوران ریاست جمهوری خود به اقدام نظامی علیه ایران مبادرت و یا برای انجام آن تهدید کند؛ مگر آن که این اقدام را در واکنش به یک اقدام بسیار تحریک کننده از سوی ایران انجام دهد.

- ترس از اقدام نظامی آمریکا همواره یک دلیل اولیه اروپایی‌ها در اعمال فشار علیه ایران بود و ترس از یک بمب ایرانی در آینده نزدیک دلیل ثانویه آنها بوده است. ایجاد اجماع در بین اروپایی‌ها در حمایت از تحریم‌های جدی علیه ایران، پیش از این گزارش کاری دشوار بود اما این امر هم‌اکنون غیرممکن شده است.

- مواضع بوش اعتبار آمریکا را بیشتر تخریب می‌کند و این احساس مشترک را در دشمنان و متحدین این کشور به وجود می‌آورد که واشنگتن به دنبال درگیری نظامی با ایران بدون توجه به واقعیت برنامه هسته‌ای تهران است.

- رییس جمهوری آمریکا اشاره کرد که اجازه به ایران برای برخورداری از پروسه غنی سازی، تهران را قادر خواهد ساخت تا یک برنامه هسته‌ای پنهانی داشته باشد که این منطق اساساً درباره ایران بی اعتبار است و بهترین شیوه مقابله با برنامه پنهانی (مورد ادعای آمریکا) برنامه راستی آزمایی است نه تعلیق.

- این گزارش، دیدگاه‌های ذکر شده البرادعی در گزارش اخیر آژانس را مبنی بر صلح آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران تایید می‌نماید.

- اکنون زمان خوبی برای آغاز مذاکرات آمریکا با ایران در باره برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است؛ آمریکا در موضع ضعف قرار ندارد، شرمساری‌های ناشی از این گزارش زودگذر است، اما واقعیت‌های استراتژیک پایدارتر هستند.

دیدگاه «ری تاکی» کارشناس ارشد شورای روابط خارجی آمریکا مبنی بر آنکه اکنون نه تنها گزینه نظامی کنار گذاشته شده، بلکه تصویب تشدید تحریم‌ها علیه ایران برای واشنگتن دشوارتر از همیشه شده و این کشور حتی اگر بخواهد وارد تعامل با تهران شود، گزینه‌هایش محدودتر شده است، از جمله نگرش‌هایی است که دیدگاه نخست مبنی بر موثر بودن این گزارش در تحولات آتی و اثر قطعی آن بر شکستن اجماع

متزلزل ۵+۱ را مورد تایید قرار می دهد.

۲- تقویت موضع آمریکا برای تشدید فشارهای بین المللی علیه ایران

- دیدگاه مخالف که اغلب به طیف تندرو در دولت جرج بوش و مراکز مطالعاتی و نشریات وابسته به این طیف و همچنین رژیم صهیونیستی و لابی اسرائیل تعلق دارد، تاثیر انتشار این گزارش را در راهبرد آمریکا نسبت به ایران ناچیز دانستند و تلاش کردند مانع سرایت تفاسیر و تحلیل های مبتنی بر نیاز به تغییرات اساسی در سیاست های آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران بر برنامه ها و اهداف راهبردی خود علیه تهران شوند.

محورهای اصلی استدلال این طیف عبارتند از:

- با توجه به تجربه اخذ شده از گزارش های سازمان اطلاعاتی آمریکا درباره عراق و همچنین گزارش قبلی آنان در مورد ایران (سال ۲۰۰۵) که هیچ یک صحیح نبودند، نمی توان به صحت این گزارش نیز اطمینان کرد.

- اغلب تهیه کنندگان و نویسندگان این گزارش از افراد قدیمی و متعلق به طیف میانه روی وزارت خارجه آمریکا بوده، لذا نباید به دیدگاه محافظه کارانه آنها اعتماد کرد.

- گزارش سازمان های اطلاعاتی آمریکا نشان داد که ایران تا قبل از سال ۲۰۰۳ به دنبال کسب توانایی تولید بمب اتمی بوده، لذا تضمینی وجود ندارد که با برداشته شدن فشارها بر روی ایران، این کشور مجدداً به سوی پیگیری یک برنامه اتمی مخفی (این بار با توجه به تجربیاتی که در طی ۴ سال گذشته کسب کرده) نرود.

- گزارش نهادهای امنیتی و اطلاعاتی آمریکا تایید کننده صحت راهبرد بوش علیه ایران و کارآمدی سیاست تشدید تحریم و انزوای بکار گرفته شده علیه ایران است، لذا نمی بایست این سیاست را به یکباره رها کرد.

- اعضای شورای امنیت سازمان ملل تصمیمات اولیه خود را برای ارایه تحریم های اقتصادی علیه ایران براساس مدارکی که آژانس ارایه کرده بود، قرار داده اند و لذا این گزارش بر روند ادامه تحریم ها تاثیری ندارد.

دیدگاه ها و اظهار نظرهای منتشر شده ذیل این دیدگاه را پشتیبانی می کند:

● جرج بوش، رئیس جمهور آمریکا: اگر ایران دانش لازم برای تولید سلاح هسته ای را داشته باشد یک خطر بود، هست و خواهد بود و از شرکای خود می خواهم فشار بر ایران درباره برنامه هسته ای را افزایش دهند.

● کاندولیزارایس، وزیر خارجه آمریکا: اگر اطلاعات جدید آمریکا باعث گردد که گفته شود نیازی

نیست آمریکا نسبت به آنچه ایران به دنبال نگران باشد، اشتباه بزرگی خواهد بود. ایرانی‌ها انجام می‌دهند تا دوام فعالیت‌های غنی سازی بوده و فرآوری را انجام می‌دهند و نتایج برآورد اطلاعاتی آمریکا به معنای آن است که فشار بر ایران کارآیی دارد و باید ادامه یابد.

● **سارکوزی، رییس جمهور فرانسه:** درخواست‌های جامعه بین المللی از تهران همچنان پابرجاست و ایران باید به طور کامل با آژانس بین المللی انرژی اتمی همکاری کند و فعالیت‌های غنی سازی خود را متوقف نماید و خودداری ایران از این امر تصویب قطعنامه جدید تشدید تحریم‌ها را در سازمان ملل توجیه می‌کند.

● **زلمای خلیل‌زاد، نماینده دائم آمریکا در سازمان ملل متحد:** طرح پیش نویس قطعنامه‌ای که در آن تحریم‌های شدیدتری علیه ایران در رابطه با پرونده هسته‌ای این کشور در نظر گرفته شده، به زودی به شورای امنیت ارایه خواهد شد.

● **فرانک والتر اشتاین مایر، وزیر امور خارجه آلمان:** اگر ایران اعتماد ما را جلب کند - که باید هم همینطور شود - ما برای همکاری‌های سیاسی و اقتصادی همه جانبه آمادگی داریم. گزارش آمریکایی‌ها نشان داد که موضع قاطع جامعه جهانی می‌تواند ایران را در راه ایجاد اعتماد هدایت کند.

● **کریستینا گالاش، سخنگوی خاور سولانا:** ایران همچنان به نقض درخواست‌های سازمان ملل برای تعلیق فعالیت‌های غنی سازی اورانیوم ادامه می‌دهد و اگر چه برآورد اطلاعات جاسوسی ملی آمریکا در برنامه هسته‌ای ایران و قضاوت‌های سیاسی جامعه بین المللی در قبال ایران تاثیر خواهد گذاشت، اما این برآورد به گذشته ربط داشته و به طور مستقیم با روند تحریم‌های سازمان ملل ارتباطی ندارد.

● **سخنگوی دولت انگلیس:** این گزارش نشان می‌دهد برنامه تحریم‌ها و فشار بین المللی تاثیراتی داشته است و نیز ثابت می‌کند این نیت در آنجا وجود دارد و خطر دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای همچنان یک مساله بسیار جدی است.

● **پاسکال آندره آنی، سخنگوی وزارت خارجه فرانسه:** اعضای شورای امنیت سازمان ملل تصمیمات اولیه خود برای ارایه تحریم‌های اقتصادی علیه ایران را براساس مدارکی که آژانس ارایه کرده بود، قرار دادند و لذا موضع ما تغییری نکرده و ما باید همچنان به اعمال فشار علیه ایران و تنظیم قطعنامه تحریم‌ها در چارچوب سازمان ملل ادامه دهیم.

● نتیجه گیری نهایی

«آنسوی بحران» اغلب از افکار عمومی پنهان می‌شود و همواره برخلاف تبلیغات سنگین اولیه، عقبه دولت‌ها درصدد بر می‌آیند به اصلاح و تغییر روندها و حتی فرآیندها بپردازند. این یک آموزه استراتژیک

است و دولت آمریکا هم به دلایل موقعیت زمانی و وضعیت داخلی و بین المللی اش ناچار خواهد بود، یا حداقل بخشی از واقعیات را بپذیرد و به اصلاح سیاست‌ها و عملکرد خود در قبال جمهوری اسلامی ایران (به طور حداکثری) و یا موضوع هسته‌ای کشورمان (به طور حداقلی) همت گمارد و یا راه دیگر را برگزیند که از نومحافظه کاران و اشنگتن در شرایط کنونی بعید نیست، و آن اینکه از گزارش برآورد جامعه اطلاعاتی آمریکا به عنوان عملیات تأخیری و در حکم تاکتیکی برای «فرار به جلو» با هدف گشایش در بن بست موجود در راهبرد رفتاری خود در قبال جمهوری اسلامی ایران بهره‌برداری کند که در صورت اتخاذ این تاکتیک هم می‌توان تنزل و تضعیف سیاست‌های کاخ سفید علیه تهران را در آینده شاهد بود.

دولت آمریکا پیش از این هم و در پی ارائه گزارش گروه مشترک جمهوریخواه-دموکرات درباره اشتباهات کاخ سفید در عراق و همچنین گزارش برخی سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا در رد وجود سلاح‌های کشتار جمعی در این کشور، به طور تدریجی بخشی از سیاست‌ها، تاکتیک‌ها و حتی برخی فرماندهان و مسوولان عالیرتبه نظامی، سیاسی و امنیتی خود را که درگیر موضوع عراق بودند، تغییر داد.

در شرایط کنونی، آمریکا به خاطر مسائل مختلف از جمله وضعیت بغرنج در عراق، ناکامی پروژه خاورمیانه بزرگ و شکست اهداف مندرج در آن از جمله در منطقه خلیج فارس، لبنان و فلسطین، افغانستان و پاکستان، شکست طرح‌های پی در پی انزوای تهران، ارتقای موقعیت ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک جمهوری اسلامی ایران، وضعیت بد اقتصادی و اجتماعی درون آمریکا و بهره‌برداری از آن در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۸، ناتوانی برای ورود به فاز نظامی علیه ایران و به ویژه در کنترل بحران ناشی از پیامدهای آن، ناکامی در حل و فصل بحران امنیت در منطقه بدون جلب مشارکت تهران، تشدید تنش‌ها با روسیه بخصوص درباره پروژه سپر موشکی و... مجبور است به واقعیت جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک «قدرت جدید هسته‌ای» که پیش از این قدرت و نفوذ منطقه‌ای و جهانی خود را در عرصه‌های متفاوت به رخ کشیده است، تن دهد و حداقل در کوتاه مدت، به نوعی بدون تبلیغات آشکار مدیریت بهینه زمان کند. بر این اساس چه امسال جرج بوش در سال آخر ریاست جمهوری ۸ ساله خود و همچنین حزب جمهوریخواه، باید منتظر تشدید تبعات ناشی از تغییر در استراتژی‌های بزرگ پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، از جمله اتخاذ استراتژی اقدام پیش‌دستانه باشند که جز خسارت و هزینه‌های سرسام آور برای ملت‌های آمریکا و اروپا و بخصوص مردم خاورمیانه رها وردی نداشته است.

آمریکای پس از جرج بوش باید خود را برای یک «توبه بزرگ» به خاطر اشتباهات نابخشودنی نومحافظه کاران آماده کند و اما در یک سال اخیر با توجه به شرایط و مقتضیات، واشنگتن هر چند در پیشبرد اجماع نیم‌بند و فروپاشیده ۵+۱ پیش‌تر ناکام خواهد ماند، در عرصه عمل نیز - که دستاویز آن احتمالاً قطعنامه دیگر شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران باشد - به سوی فرایندی خواهد رفت که

مصوبات شورای امنیت را بی اعتبار سازد و مشروعیت سازمان ملل را بیش از پیش زیر سوال برد. این در حالی است که در چنین شرایطی «زبگینیو برژینسکی» مشاور امنیت ملی «جیمی کارتر» رئیس جمهور اسبق آمریکا با انتقاد از سیاست‌های جرج بوش، به وی یادآور می‌شود: «اگر آمریکا تصمیم به ماجراجویی نظامی علیه ایران بگیرد، تبعات فاجعه آمیزی داشته و علاوه بر ایجاد ناامنی شدید برای اروپا، باعث خواهد شد که نیروهای این کشور دست کم برای مدت ۲۰ سال در منطقه از جمله در عراق، افغانستان و یا حتی پاکستان زمین گیر شوند.»
پی‌نوشت‌ها:

۱- برگرفته از اساسنامه جامعه اطلاعاتی آمریکا و گزارش برآورد جدید این جامعه درباره ایران. همچنین متن انگلیسی:

Iran :Nuclear Intelligence and Capabilities, National Intentions Estimate ,Nov۲۰۰۷

۲- خبرگزاری فارس، ۸۶/۹/۲.

